

## در تجلیل استاد عامری

عصر دوشنبه ۲۲ اردی بهشت ۱۳۵۴ محفلی بسیار ساده و گرم در باشگاه دانشگاه تهران به افتخار استاد علی محمد عامری تشکیل شد. مدعوین که حضور یافتند در حدود یکصد نفر بودند اما همه آنان از بزرگان ادب و استادان بودند و از لحاظ معنویت محفلی بی نظیر می نمود.

بعد از صرف چای، و بی اعتنائی تمام به میوه و پسته و شیرینی که به حد وفور آماده شده بود، نخست آقای حبیب یغمائی در تشکیل چنین محفلی سخنی کوتاه معروض داشت. آن گاه جناب دکتر مهدی آذر وزیر اسبق فرهنگ شرحی بسیار جذاب و مؤثر بیان فرمود، سپس استاد مجتبی مینوی که در سخنرانی اوستادی آزموده است با عباراتی استوار و لطیف مجلس را گرم کرد و با نقل گفته‌ای از جناب علی اصغر حکمت (که حضور یافته بود) مستمعان را نشاطی و حالی بخشید.

استاد محیط طباطبائی از جناب عامری خواستار شد که شاگردان خود را (یعنی اعلیٰ مجلس را) پندی و نصیحتی دهد، و آن جناب با بیانی ساده از همگان سپاسگزاری کرد. در پایان مجلس کتاب «عامری نامه» به دست جناب اللهیاری صالح از هم دوره‌های تحصیلی استاد عامری در مدرسه کالج امریکائی به استاد عامری اهدا شد و محفل دوستانه پس از دو ساعت پایان پذیرفت، این است مختصری از گفتار ناطقین:

### سخن حبیب یغمائی

با عرض درود و سلام به حضاران.

این محفل در تجلیل استاد جلیل علی محمد عامری تشکیل شده، استادی که همانندش در این کشور کم است و آقایان محترم به فضایل و مراتب علمی او بیشتر آگاهند تا بنده، زیرا عالمان، عالم را بهتر می‌شناسند و بنده در این راه از پیادگان وامانده‌ام. عامری سال‌ها در دانشکده علوم تدریس فرموده و عمری را در خدمات آموزشی و فرهنگی به پایان برده. در مدت مدیدی که ریاست دانش سرادا داشته در تربیت معلم اهمیتی بلیغ به کار برده چنان که غالب دبیران و استادان امروز از پرورش یافتگان وی اند، و در وزارت فرهنگ قدیم نیز همواره مصدر خدماتی مهم بوده است، به عبارتی دیگر استاد عامری، هم دانشگاهی است و هم فرهنگی، اما این محفل را که بی شائبه ترین و بی پیرایه ترین محافل است، نه دانشگاه تشکیل داده و نه وزارت آموزش.

عده‌ای از دانشمندان و استادان که از ارادت و رزان و دوستان وی اند با اخلاص تمام و نیت پاک، هم رأی و هم آهنگ شدند که مجموعه‌ای از مقالات خود را به نام آن جناب فراهم آورند و تقدیم دارند. مقالاتی تحقیقی و ادبی و علمی که جاودان بماند و دانشوران جهان را در هر زمان و در هر عصر بهره بخشد. و بنده را که خدمتگر آن بزرگوارانم در تنظیم و چاپ چنین کتابی افتخار بخشیدند.

این کتاب مشتمل بر نوزده مقاله است که دوازده مقاله آن را استادان بزرگ مرقوم داشته‌اند، مقالات دیگری هم هنگامی رسید که چاپ کتاب پایان یافته بود و امیدست در مجلدی دیگر به همین نام درآید.

باید به عرض برسانم که مقرر بود استاد عامری از این اقدام آگاه نشود چون شخصیتی است که از این گونه تظاهرات تن می‌زند اما در ضمن چاپ کتاب آگاهی یافت و شکوه‌ها و گله‌ها آغازید و چون نیمی از کتاب به چاپ رسیده بود بی اثر ماند. با این همه اعتراض دوام خواهد یافت، چون درصحت و زیبایی چاپ و سواسی خاص دارد و این کتاب را از این هردو نصیبی وافر نیست، اما اگر از زیبایی صوری محروم است در معنویت تمام است که مقالات محققانه پرمفرد استادان بزرگوار آن نقائص را جبران می‌کند و از شرمندگی بنده می‌کاهد.

از نویسندگان و استادان بزرگوارم که در تألیف این کتاب با ارزش راهنمایی و اقدام فرموده‌اند عرض امتنان بیرون از ادب است که سپاس از خود به خود گفتن روا نیست معمولاً نسخه‌ای که در این محفل به استاد تقدیم و اهدا می‌شود می‌باید با تجلیدی عالی و کاغذی عالی‌تر باشد اما سزاوارتر آن دید به همان صورت باشد که بی‌بازار ادب عرض می‌دارند. ساده و بی‌پیرایه چنان که محفل ماست.

### سخن جناب دکتر مهدی آذر

#### آقایان ذوالعز و الاحترام

من می‌دانم که صلاحیت و منزلت سخن گفتن در جمع آقایان و ادبای حاضر در این محفل را ندارم ولی چون جناب آقای مینوی فرمودند من باب شنیدن حرف بزرگتر اطاعت می‌کنم. آقای علی محمد خان عامری همانطور که آقای یغمائی تشکیل دهنده این احتفال بیان فرمود و محققاً آقایان همه بخوبی مستحضرند علاوه بر سوابق خوب اداری معلم بسیار فاضل و عالیمقام و یک فرهنگی کامل عیاراست و سابقه ممتد در امر تعلیم و سایر خدمات فرهنگی دارد و به تمام صفات نیک که یک فرهنگی باید داشته باشد آراسته است و تألیفها و ترجمه‌های او در موضوعهای مختلف گواه ذوق خوش و شیوایی سخن و کمال فضل و براءت اومی باشند و چنانکه گفته شد این محفل برای یادآوری و تذکر خدمات او به فرهنگ و بقول آقای یغمائی فرهنگ اصیل ایران تشکیل داده شده است. در خدماتی که او در وزارت فرهنگ انجام داده است و من شاهد و ناظرش بوده‌ام یکی مرتب ساختن اداره کل بازرسی است که من بوضع مشوش و تأسف انگیز آن در نامه‌ای خطاب به آقای یغمائی که در مقدمه مقاله «آغاز زندگانی» در عامری نامه درج شده است اشاره کرده‌ام، آقای عامری باحوصله و بی نظری آنجا را اداره کرد و دوایر مختلف آنرا تصفیه نمود و طبیعی است که اصلاح اداره مزبور در وضع کار سایر ادارات وزارت فرهنگ هم تأثیر می‌بخشید - دیگر کوشش وی در باب تأسیس روز معلم و برگزاری جشن آن روز است - روز معلم اولین بار با نظر عده‌ای از فرهنگیان وقت و با تأیید و تصویب شورای عالی فرهنگ برای تذکار قدر و مقام

صنف معلم تأسیس گردید و شورای عالی فرهنگ مقرر داشت که روز آخر شهریورماه یعنی روز پیش از افتتاح مدارس و شروع سال تحصیلی به اسم معلم موسوم گردد و هر سال در آن روز در تهران و سایر مراکز فرهنگی ایران جشنی ترتیب داده شود و از معلمان کشور تجلیل شود. بعد از آن سال در ایران روزهای متعدد دیگر مانند روز کودک و روز مادر و روز درختکاری و روز کارگر و روز پلیس و غیره تعیین شد و هر سال در بعضی از این روزها جشنهایی ترتیب داده می‌شود و تشریفاتی اجرا می‌گردد ولی روز معلم که نخستین این قبیل روزها بود فراموش و منسوخ شده است مثل اینکه معلم قدر و منزلتی ندارد که قابل توجه و تذکار باشد. من هرگز تصور نمی‌کنم که کسی درباره مقام معلم و اهمیت خدمتی که او در جامعه انجام می‌دهد همچنین در بزرگی حق او و دینی که جامعه با او دارد از لحاظ احترام و قدردانی و فراهم ساختن موجبات رفاه و خوشوقتی او شك و تردیدی داشته باشد. از طرف دیگر حقوق و مزایایی که بصفت معلم (مقصود کسانی است که تدریس می‌کنند) پرداخته می‌شود اگر از آنچه بسایر اصناف خدمتگزار کشور که روزهایی بنام آنها تعیین شده است کمتر نباشد بیشتر هم نیست در این صورت چرا روا نیست که سالی یک روز هم به اسم معلم باشد و در آن روز مثل تجلیلی که از زحمات سایر اصناف زحمتکش جامعه بعمل آورده می‌شود از معلمی هم تجلیل گردد و لاقبل به زبان از کوشش و زحمات آنان سپاسگزاری بشود و مخصوصاً از افرادی که وظایف معلمی را بخوبی انجام داده و در تعلیم و تربیت نوباوگان و جوانان جدیت کامل داشته‌اند اسم برده شود و تشویقی بعمل آید.

لاخیل عندک تهديها و لامال فليسعد النطق ان لم تسعد الحال

دیگر از کارهای بسیار مهم آقای عامری سعی و کوشش فوق العاده او در درستی و حسن جریان امتحانات نهائی سال ۱۳۳۲ است. آقای عامری در آن سال عضو شورای امتحانات که با شرکت آقایان معاونان و رؤسای ادارات وزارت فرهنگ تشکیل می‌یافت بود (\*). و از نظرهای مفید او که مبتنی بر تجربه‌های فراوان در امر امتحانات بود استفاده می‌شد و علاوه بر این مأموریت مهم دیگری داشت که عبارت بود از نظارت در بررسی و خواندن اوراق امتحانی و دادن نمره و ثبت و ضبط آنها و مخصوصاً سعی در مکتوم و محفوظ ماندن اوراق و نمره‌ها و بالخصوص جلوگیری از اعمال نفوذهای و تشبثات و دستبرد مداخله‌کنندگان در امتحانات که همیشه معمول بوده است و در اثر آن همه ساله عده بی شماری تحصیل نکرده و فاقد صلاحیت پیش می‌افتادند و تصدیقهایی که بهیچوجه استحقاق آنها را نداشتند بدست می‌آوردند. این کار آقای عامری با سابقه عادت بمسامحه و فروگذاری عده‌ای از ممتحنین و ناتوانی آنان در مقابل اعمال نفوذهای و توصیه‌های مقامات و اشخاص مختلف و مخصوصاً نادرستی بعضی از متصدیان امور امتحانات واقعاً کار بسیار مشکلی بود و بمقیده من تا کسی خودش ذاتاً درستکار و حائز ایمان و وجدان محکم و استقامت رأی نباشد نخواهد توانست درستی جریان امتحانات را چنانکه باید تأمین کند و موفق شود و اداره‌کنندگان امتحانات سال ۳۲ و آقای عامری موفق شدند چنانکه امتحانات سال مذکور در خوبی مثل شد و معارف

\* - اعضاء شورای امتحانات: مرحوم دکتر نصیری - دکتر مصاحب - راد - نحوی -

اقصی - عامری - یغمائی ...

و عامی درستی آنرا ستودند .

اکنون چند سال است که آقای عامری با همه زنده دلی و کارآیی بمناسبت رسیدن بسن بازنشستگی بازنشسته است و آقای ینمائی که خودیکی از معلمان و فرهنگیان و فرهنگ پروران فاضل و مبرز و از نامداران عالم شعر و ادبیات است و می توانم گفت که از این حیث هم کم نظیر است من باب قدردانی از زحمات آقای عامری به فکر تألیف و نشر « عامری نامه » (که نسخه ای از آنرا امروز بعهده ای از آقایان اهدا کرده اند) و تشکیل این محفل تجلیل افتاد و اقدام کرد و این شایسته او بود .

اینرا هم باید عرض کنم که من خود شخصاً بضاعتی از ادب ندادم و اظهار نظر کردن درباره شعر و ادب آقای ینمائی و امثال او ممکن است حمل بر تصلف بشود اما افتخار و مسرت آنرا دارم که گاهی مجالست و مصاحبت چندتن از اهل ادب و فرهنگ نصیب می شود و از خرمن انبوه فضائل آنان خوشه می چینم و از عقاید و افکار آنان در حق همدیگر اطلاع حاصل می کنم و گفته من درباره مقام عالی آقای ینمائی در شعر و ادب بنا بر قولی است که جملگی بر آنند . در خاتمه من بسهم خود در اقدام آقای ینمائی و آقایانی که بانیت قدردانی از آقای علی محمد خان عامری تشریف حضور در این محفل را ارزانی فرموده اند تشکر می کنم . (\*)

### سخن استاد مجتبی مینوی

بیست نفری از دوستان اهتمام کردند و رسالات و مقالات نوشتند و به استاد بزرگوار علی محمد عامری تقدیم کردند .

ممنون آقای حبیب ینمائی و پشت کار بی نظیر ایشان هستیم که این کتاب را بدین صورت زیبا از چاپ بیرون آوردند و گلدسته ای به پای عامری ریختند که تا سالیان دراز مشام دوستان را این خرمن گل معطر خواهد کرد .

بیست نفری که در نوشتن مقالات یاری کردند تنها کسانی نبودند که مرهون فضل و لطف علی محمد عامری بوده اند تمامی کسانی که آثار خامه او را دیده و خوانده اند به او ارادت می ورزند ، و این جماعتی که امشب اینجا جمع شده اند معدودی از بسیار و مشتی از خروار محسوب می شوند .

آشنائی بنده با علی محمد عامری از زمانی است که ایشان به چاپ عقدالعلی مشغول بودند و بنده نوروز نامه را برای چاپ تهیه می کردم . فضل و سواد و معرفت و ذوق و شیرینی قلم و حسن سلیقه ایشان که در طول این مدت از نوشته ها و از ترجمه های ایشان لایح بود مرا هر آن شیفته تر و مجذوب تر کرد . چه دقتی در یافتن ترجمه مناسب فلان لغت ، چه کوششی در تلیق جمله ها به طوری که با قوانین دستوری و شرایط فصاحت فارسی سازگار باشد و در ضمن هم مطلوب و مقصود نویسنده را به بهترین بیانی به خواننده بفهماند .

تنها سلسله مقالاتی که آقای ینمائی در مقدمه خود اشاره کرده اند که در ینما چاپ شد نبود ، سلسله کتبی که از برای دانش آموزان نوجوان ترجمه کرده اند و در جزه انتشارات

\* - « چیزی که من انتظار نداشتم این بود که طیبی با فصاحت و بلاغت یک ادیب سخنان نثر و پرمغز بگوید .. » (دکتر محمود عنایت نویسنده مجله نگین شماره ۱۲۰)

فرانکلین چاپ شد نیز باید به حساب آورده شود .

خدمت آقای عامری در وزارت فرهنگ سابق در موقعی که آقای دکتر مهدی آذروزی بر بودند و آقای عامری مدیر کل تقشیش بودند نیز مجالی به من داد که بیشتر با عامری آشنا شوم . باعث بر این همکاری هم خود آقای عامری و آقای ینمائی بودند که يك روز آمدند بنده منزل در آن کتابخانه زیرزمینی که در خیابان حشمةالدوله داشتم و با بنده صحبت کردند که آیا حاضری در وزارتخانه ریاست تعلیمات عالیہ را بپذیری، و بنده عرض کردم در خدمت جناب دکتر آذر کار کردن موجب سرافرازی است. ابلاغی را که قبلا نوشته و بامضا رسیده بود از حبیب بیرون آوردند و به بنده دادند و ما شدیم همکار و هم‌پالکی .

در آن مدت بود که شناختم عامری چه اندازه کافی و کاربرد و کاردان است و چگونه از نظرهای حب و بغض و لجاج و خودپسندی خالی است . وجه اندازه در پی بردن به خوی و خصالت اشخاص نظرهای صائب دارد .

وقتی با او بحث درباره کسی بود که به من از عامری گله کرده و گفته بود نمی‌دانم چرا نسبت به من نظر خوبی ندارد ، این را با خود عامری در میان نهادم . به من گفت « صبر کن توهم او را خواهی شناخت و از او روی گردان خواهی شد . من در زمانی او را شناختم که در دانشسرای مقدماتی این مرد شاگرد شبانه روزی بود ، و دریافتم که در دنیا جز پول هیچ چیزی را نمی‌شناسد و جز جاه و مقام (که آن هم منتهی به ثروت و مالمی‌گردد) طالب چیزی نیست . « مدت‌ها گذشت تا بنده و همه دوستان دیگر فهمیدیم که عامری آن‌مرد را خوب شناخته بود و هر چه می‌گفت درست بود .

وقتی یکی از حکایات مربوط به مسافرت خودش از ناگین به طهران را برایم می‌گفت اگر درست یادمانده باشد در زمانی بوده است که نایب حسین کاشی و ماشاءالله خان و رضا جوزانی و اتباع ایشان راه میان یزد و ناگین و طهران را در اختیار خود داشتند و همانطور که غزالی از مرد راهزنی نصیحتی شنیده بود که در تمام عمرش بدردش خورد گویا عامری هم از نایب حسین مرد انگلیسی دیده بود که کلیه مروتها و جوان‌ریدیهای پایتخت که بعد از آن دید در برابر آن هیچ بود . همین چند دقیقه پیش آقای حکمت میان بنده و عامری نشسته بود و حکایت کرد که در مدرسه آمریکائی شبانه روزی با عامری هم‌درس و هم‌حجره بوده است و آقای عامری آن زمان از ریاضیات بسیار منزجر بوده است و هر شب تمام شب بیدار می‌مانده و چراغ را روشن نگاه می‌داشته و هندسه می‌خوانده است . بعد در آخرین امتحانات مدرسه همینکه آن درس هندسه را امتحان داده بوده و گذرانده بوده است کتابش را روی تخت خواب گذاشته بوده و با کمر بندش آن را می‌زده و می‌گفته « الحمدلله از شر تو پدر سوخته خلاص شدم » .

خیال می‌کنم اگر آقای عامری خاطرات ایام زندگانی خود را به تحریر آورد کتابی خواندنی خواهد شد . بنده مدت‌هاست که روزنامه خواندن را ترک کرده‌ام و علت عمده‌اش دروغ نوشتنهای وفارسی‌جرامزاده نوشتن آنها بود. اما در طی بیست و پنج سال اخیر بعضی مقالات سیاسی و خبرهای روزنامه‌ها را در مجله ینما بقلم علی‌محمد عامری خوانده‌ام. اگر تمام نوشته‌های جراید به آن شیوه و آن زبان می‌بود . بنده هم روزنامه خوان می‌شدم . افسوس که اجازه نبود همیشه همه آنچه را که در جراید فرنگی نوشته بودند کسی ترجمه کند .